



۷۵

سوسیالیسم امروز

۲۶ آبان ۱۳۹۷ - ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

"آلترناتیو سوسیالیستی"

یا همکاری و اتحاد سازمانی؟

(پاسخ سلام زیجی به چند پرسش در باره گردهمایی اخیر
چند جریان چپ در "کنفرانس استکهلم")

صفحه ۱۰

چند خبر و گزارش کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

صفحه ۷

تحصن معلمان، اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه و فولاد اهوز به روایت تصویر

صفحه ۹

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت جان باختن رفیق محمد یگانه

صفحه ۸

نهمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه و چهارمین روز اعتراضات کارگران فولاد اهواز

صفحه ۱۰

در صفحات دیگر: متن انگلیسی دو اطلاعیه حزب

Revolutionary Socialist Party Condemns US Economic Sanctions!

The US government's terrorist act against
PKK leaders is condemned

حمایت از مبارزات کارگران هم یک وظیفه هم یک ضرورت مبرم

آذر کیمیا

رژیم اسلامی دارد راه نفس زندگی مردم را می بندد. هر روز قشر و پدیده ی جدیدی به افشار و پدیده های پیشین افزوده می شود. یکی از پدیده های تازه کودکان و زنان زباله گرد است. هر پدیده ی اجتماعی که ظهور می کند هم ریشه و هم شاخ و برگ نشان از عمیق شدن فاصله طبقاتی دارد. برای این حکومت ، از "رهبر" و "رئیس جمهور" تا سرمایه داران گردن گلفت و امامان جنایت جمعه اشان ذره ای شرم و حیا ندارند و بارقه ی از انسانیت در وجودشان نیست. تا نسبت به این پدیده سازی های ناشی از وجود حاکمیت اسلامی اقدام باز دارنده یا برنامه و سیاستی مد نظر باشد، چماق بدستان مزدور و لانت لوتهای حاکمیت به میدان می آیند. کارگران و زحمتکشان که قربانی صف اول آثار شوم این حکومت هستند، اکنون بخشی از آنها کاسه سبرشان لبریز این حکومت تلاش کرده و می کند تا همه مصیبت ها برای جامعه ایران را عادی و طبیعی و ناگزیر جلوه کند و جا بیفتد و بدل به یک فرهنگ و نوعی از زندگی شود.

بنابراین شاهدیم که مبارزه با نظام جمهوری اسلامی همواره در حال گسترش یافتن و مشترک شدن درد است. این درد وقتی به رنج طبقه کارگر در نظام سرمایه داری اسلامی می رسد

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



“آلترناتیو سوسیالیستی” یا همکاری و اتحاد سازمانی؟

(پاسخ سلام زیجی به چند پرسش در باره گردهمایی اخیر چند جریان چپ
در “کنفرانس استکهلم”)

توضیح: رفیق بهروز ناصری سولاتی در باره “کنفرانس استکهلم”، که اخیرا از جانب چند سازمان اپوزیسیون چپ در خارج کشور برگزار گردید، برای من فرستاده اند. به دلیل اینکه قبلا طی دو گفتگوی صدا-تصویری، اولی ماها قبل از “کنفرانس استکهلم”، و دومی بعد از آن کنفرانس انجام داده ایم، و در آنجا جامعتر و مفصلتر به سولات مشابه و اصل موضوع “آلترناتیو سوسیالیستی” پرداخته شده است، در اینجا مقداری فشرده تر به سولات رفیق بهروز پاسخ میدهم. علاقمندان میتوانند برای شنیدن کاملتر نقطه نظرات ما در این باره به آن دو گفتگوی تصویری که لینک آنها در آخر این پرسش و پاسخ نیز ضمیمه است رجوع کنند.

سوال: با توجه به تلاشهایی که اخیر حزب کمونیست ایران و پنج جریان دیگر یعنی راه کارگر، حزب کمونیست کارگری حکمتیست، اقلیت و هسته اقلیت، برای شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی در ایران انجام داده اند و چندی قبل هم اولین کنفرانس خود را در استکهلم برگزار کردند، و با توجه به اوضاع متحول سیاسی ایران و چالشها و نیازها و ... نظر شما یا حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره پیوستن و همکاری با این شش جریان در باره تقویت آلترناتیو سوسیالیستی در ایران چیست؟

سلام زیجی: جدا از اینکه نگاه بسیار متفاوتی در باره تحولات سیاسی و چگونگی آینده پیروزی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی با آنها داریم، به چنین “آلترناتیو” سازیهای با این سبک و متد، و آنهم با محوریت کسانی که سازمان خبات و جریانات عمیقا فاسد چون “سازمان زحمتکشان” و “کاک عبدالله” و حزب دمکرات و غیره را همواره از امثال من و ما کمونیستها به خود نزدیک تر دانسته و هنوز هم چنین سیستم سیاسی و فکری “دیپلماسی” را دارند، اعتماد و اعتقادی ندارم. فکر میکنم راه به جای نمیبرد، کارگر و کمونیسم در این چهار چوب نه نفعی میبرد و نه هیچی بدست خواهد آورد، همانطوری که در بیست سی سال اخیر نیز از راه چنین سیاست و سنت و اهدافی نه تنها راه بجایی نبرده است بلکه به واسطه سیاست و اعمال این جریان که بیش از پیش به ناسیونالیسم سرویس داده و “قطب چپ” را تضعیف نموده است، جنبش ما آسیب دیده است. بنظرم وقتی چند جریان که بقول خودشان برآمده از اهداف و پیشینه و سنتهای متفاوت! (همه بطور مصلحتی، و نامربوط به سنت کمونیستی، پرهیز میکنند از توضیح مشخص و علنی آن “سنتهای متفاوت” شان)، دوباره مانند همان سنت و روشهای بی حاصل سابقشان، بدون هیچ بحث و جدال و بیان تفاوتها و همسوئی ها، و بدور از انظار جامعه و کارگر در یک سالن نشست مشترکی میگیرند و به سبک راستها هیاهوی راه می اندازند، زیرزمینی و از قبل توافقاتی از پیشی با هم کرده اند و آخرش دو بیانیه و اطلاعیه بیرون میدهند، که آن هم از پیشی آماده شده، و هر پارکراف آن رنگ جنبشها و “سنتهای” متفاوت و متضادی بر خود دارد، و در پرده آخر این نمایش از “مردم” میخواهند به آنها بپیوندند، بیش از حد دست کم گرفتن شعور کارگران و کمونیستها و مانیرهای سوسیالیست است. چنین اقدامی بسیار غیر حرفه ای و غیر سوسیالیستی و نامربوط به سنت کارگری و کمونیستی است. کل این وقایع را چنانچه بر بستر “آلترناتیو سازیهای” جریانات راست در شرایط کنونی قرار بدهیم بیشتر متوجه کپی برداریهای ناشیانه آن دوستان از چنین اقداماتی خواهیم شد، کافی است مثلا دو ماه اعتراض و اعتصابی نباشد تا متوجه انفعال دوباره آنها و سوراخ شدن این بالونگ موسوم به “آلترناتیو سوسیالیستی” شویم، چرا که سطحی، رقابتی، خود محوری، عدم شفافیت سیاسی در آن موج میزند، و به ویژه بدون زمینه و ریشه در مبارزه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

ادامه ←

حمایت از مبارزات کارگران ...

گویی همه درد ها چون جویباری هستند که به رود آن می ریزد. مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران علیه حکومت فصل جدیدی از عزم آزادیخواهان ایران برای مقابله با تمامیت این رژیم را مهر می کند. وجه بارز رشد مبارزه طبقاتی علیه حاکمیت به یک خواسته ی سیاسی دارد عریانتر تبدیل میگردد. امروز بیش هر هر زمانی نیاز به اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و روی آوری به گسترش مبارزات و اعتصابات است، حمایت دیگر اقشار جامعه از مبارزات کارگران هم وظیفه و هم یک ضرورت مبرم و تعیین کننده در تحولات پیش رو مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواهد بود.

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف
کارگران و سوسیالیستها، و به حزب
سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!
این حزب، حزب شما است! حزب
سوسیالیست انقلابی را به جامعه
معرفی کنید و در حمایت از آن در
شکل محافل و دستجات مختلف خود
را سازمان بدهید، خود را با رهبری
حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم
با ما در تماس
باشید. iransocialist2017@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

«آلترناتیو سوسیالیستی» یا... →

در خارج کشور" (تازه "حزب کمونیست" هیچ، خود رهبری کومه له هم نه، بلکه از جانب "نمایندگی" آنها در خارج!) سمیناری ترتیب داده تا برای اصل هدف مورد نظر که بدان پرداختم، به "چپ در کردستان"، یعنی خودش، سروسامان بدهند و خدمت نمایند. آیا نمیشود افق و خط راست ناظر بر رهبری کومه له که طی این سه دهه دنبال کرده عوض شود چرا که نه! اما به شهامت و صراحت و نقد عمیقی نیازمند است که بنظرم از آنها چنین انتظاری غیر ممکن است، و به ویژه تغییر و کنار زدن رهبری سنتی و پدران حاکم چپ-ملی بر آن جریان شرط اول آن تحولات به نفع چپ و کمونیسم، از جمله در جامعه است.

بنابر این علاوه بر جنبه های "سراسری" نقد مربوط به "کنفرانس استکهلم"، بخش مهمی از واقعیت سیاسی پشت پرده آن کنفرانس و مبتکران اصلی آن قبل از هر چیزی به این پروژه "کومه له در کردستان" دارد خدمت میکند. بقیه داستان خود مشغولی و ویتزینی بیش نیست. در بهترین حالت، از جمله در "بعد سراسری" نیز به دلیل چرخیدن به راست و پوپولیسم خط حاکم بر رهبری کنونی "حزب حکمتیست" و سوراخ شدن سیاست و خط کمونیستی سابق آن، و استفاده از بحران و ضعفهای سازمانی و سیاسی آنها و به ویژه توجه به علایق و سنن نزدیک بخش زیادی از رهبری آن جریان با کومه له، جریان "حزب کمونیست" (کومه له به رهبری علیزاده) فرصت را تشخیص داده و در همراهی با بقیه متحدین "حق تعیین سرنوشت ملتها" و "خلقها" در "کنفرانس استکهلم" در تلاش هستند که به یک قطب چپ ملی-خلق و "واقعین" متعلق به همان دوران شکست انقلاب ۵۷، یعنی بازگشت به دوران ماقبل مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری در ایران را سر و سامان بدهند و آنرا نیز به کارگر به عنوان "آلترناتیو سوسیالیستی" که گویا در اینجا نیز دیگر "شوراها" و "خلقها"، "ملتها" هستند حکومت میکند، نه چیز دیگری، و البته "کومه له هم سازمان توده ای" آن است! میخوانند شکل بدهند.

در همان گفتگو با نشریه "کمونیست هفتگی" متعلق به "حزب حکمتیست"، نماینده و سخنران حزب کمونیست ایران آشکارا می نویسد: "...کنفرانس استکهلم با تأکید بر اهمیت همکاری نیروهای جنبش سوسیالیستی ایران اعلام کرد که دوره اتکای یکجانبه به آکسیونها و کمپین های سیاسی و تبلیغی سازمانی برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی و در حمایت از جنبش های پیشرو اجتماعی در خارج کشور به پایان رسیده است...". روشن است برای آنها شلوغ کردن آکسیونهایشان و طرح و تقویت صرف اسم و فعالیت "حزب کمونیست" هدف است در خارج. نماینده و سخنگوی "حزب حکمتیست" نیز برای لاپوشانی راست روی خود و جریانش و توضیح "تئوریک" کودکانه و غیر کمونیستی همه رنگ بودن "آلترناتیو سوسیالیستی" شان، می نویسد: "...وانگهی جامعه ای که ما میخواهیم بسازیم، راه حل کارگران برای آزادی جامعه، بشدت متنوع و مملو از تفاوت و خلاقیت و خودبزرگی های منحصر بفرد است. کمونیست ها قرار نیست و نبوده که هر تفاوتی را مذموم تلقی کنند..."

ادامه

این سنتها و روشها هرگز قدرت و توان شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی متعلق به طبقه کارگر ایران را نخواهند داشت، بنظر من بیش از اینکه آلترناتیو سوسیالیستی از این راه و از دل چنین سنتهای بیرون بیاید راه حل "اتحاد خلقها" و چگونگی پاسخگوی به "حقوق ملتها" و غیره ممکن تر خواهد شد. این روش ها و سیاستها نامربوط به آلترناتیو واقعی و اجتماعی سنت جنبش سوسیالیستی طبقه ی است که امروز جنبش ما بطور جدی به آلترناتیو واحد و طبقاتی و سوسیالیستی خود نیازمند است! کار این دوستان شبیه فروختن کنجشگ به نرخ فناری است. اقدامشان، علیرغم نیت خیرشان، و این که بلاخره هر چه باشد "اتحاد" خوب است و "مردم پسند"، حتما طرفدارانی پیدا میکند، اما کاملا برعکس تصورات ساده لوحانه که بعضا شنیده شده در این مورد بنظرم به نفع پیروزی جنبش طبقاتی ما، به نفع شکل دادن به یک جنبش طبقاتی مستقل کارگران و آلترناتیو سوسیالیستی و شکل دادن به صف متحد کمونیسم، صف مستقلتر و متفاوت تر از دوره های شکست و ناکامی سال ۵۷ و بعداز آن تمام نخواهد شد، بلکه حتی مانع این روند نیز خواهد بود. چرا که آدرس اشتباه به کارگر و صف سوسیالیستها میدهند.

از اینرو ما نقد جدی به سنتهای سیاسی پشت صحنه شکل دادن به این نوع آلترناتیو سازیها داریم. شما اگر به پاسخهای دست اندرکاران اصلی آن چند جریان در آخرین صحبتهای آنها در گفتگو با نشریه "کمونیست هفتگی" نیز مراجعه کنید بیشتر متوجه خواهید شد که برآستی این کنفرانس نبود و نیست برای کمک به شکل دادن به "آلترناتیو سوسیالیستی" طبقه کارگر. حداقل برای دو نیروی اصلی پشت آن، اول، کومه له و حزب کمونیست و دوم، رهبری کنونی حزب "حکمتیست"، این گردهمایی ها را برای عبور از بحران و معضلات فراوان سازمانی که دامنگیرشان شده و اساسا به هدف حل و فصل معضلات و موانعهای سر راه "چپ کردستان"، که خود آنها یکی از عاملین بروز این موانع ها میباشند، است نه "الترناتیو سوسیالیستی" طبقه کارگر ایران و پاسخ به یک جنبش عظیم ده ها میلیونی کارگران و انقلابیون در مواجه با یکی از وحشی ترین حاکمیتهای بورژوازی. بعلاوه، همچنانکه مبتکر این گردهمایی کسانی بوده و هستند که تا دیروز همراه "کنگره ملی کورد"، "جبهه های کوردی" و "خلق کورد" بودند. دیدن باید هزینه بیشتری بدهند. فهمیدند بجای در آن میدان نمیرسند، اما هرگز آن میدان را هم ترک نخواهند کرد!، حتی سعی نمودند در قالب سخنگو و هماهنگ کننده دست راستی ترینها هم ظاهر شوند اما باز در حاشیه قرار گرفتند. اکنون "برگشته اند" تا با همان افق و استراتژی "رهبر" و مبتکر ایجاد گردهمایی "قطب چپ"، البته همسو با خود باشند و در جهت تحقق همان اهداف قدیمی و همیشگی خود به اهرم فشار قویتری علیه همان شرکای سابق "جنبش کورد" تبدیل گردند. این نوع "کنفرانسهای سراسری"، و "همکاریهای چپ" در خارج کشور، قبل از هر هدف "سراسری" در واقع قرار است ابزاری باشد تا قبل از هر چیز به همین نوع چپ در "جنبش انقلابی کردستان" و گرد آوری آنها از جانب "نمایندگی کومه

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

«آلترناتیو سوسیالیستی» یا... →

رهبری واحد و سازمانده کارگری و سوسیالیستی، با پلاتفرم سیاسی بدون تخفیف کمونیستی و غیره است، نمیتوان به چنین هدفی رسید. و بطریق اولی نباید اسم هر تجمع دیگری آن هم از جانب جریانات خلق گرا و ملی گرا و پوپولیست "آلترناتیو سوسیالیستی" یا تلاش برای شکل دادن به آن نامید! از نظر من ایدالترین آلترناتیو سوسیالیستی این است که چنین تلاشی منجر به ایجاد یک یا چند حزب انقلابی و سوسیالیستی مستحکم، متعلق به جنبش ضد سرمایه داری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و انقلابی و آماده نبرد همه جانبه جدی و عملی برای کسب قدرت سیاسی باشد.

بنظرم جنبش کارگری-سوسیالیستی و فعالین و مبارزین درگیر در جدال هر روزه با ارتجاع اسلامی و سرمایه داری در داخل کشور اگر سرنوشت و آینده خود را بدست سنت و سیاست و استراتژی این بخش از نیروها و رهبران سنتی و مادامالعمر و ناموفق بدهند که همچنان با همان اسب سابق دارند میرانند و سیاست میکنند، صد درصد شکست میخورد. سیاستهای که بیش از سه دهه است به دلیل سطحی و نادرست بودنشان و شعار دادن و ور رفتن صرف با واژه "مبارزه طبقاتی"، به دلیل تحمیل کردن انواع انشعابات و تخریب کردن مخالفین صفوف خودشان، به دلیل عدم تحمل هیچ سطحی از چلنج سیاسی و انتقادی حتی از درون سازمان خود، به دلیل ناتوانی عریان در تامین یک رهبری سیاسی سالم و مسئولانه در این تاریخ طولانی ۳۰/۴۰ ساله، به دلیل به انحلال بردن و پراکنده کردن نیروی عظیم چند نسل از بهترین کمونیستها و کارگران و انقلابیون پرشور، به دلیل تفسیر و تحلیلهای ملال آور و غیر واقعی و دلخوش کن سازمانی شان در باره تحولات سیاسی، سرنگونی رژیم، انقلاب کارگری، انقلاب مردمی و غیره، و به دلیل توجیهات نامربوط سوسیالیستی شان به خاطر همراه شدن و دنباله رویشان از "جنبش خلق کرد"، از "ملیتهای ایران"، از "خلق های قهرمان ایران"، از جنبش سبز از جنبشهای قومی گرایانه و دست راستی و بلاخره بدون کوچکترین مرزبندی و تائید کامل "خیزش اخیر مردم ایران" که آنهم گویا تاریخش نه به مبارزه و اعتراض و جانفشانیهای ۴ دهه کارگران و انقلابیون که ناگهان توافق و شکستهای حول "برجام" رخ داده و راستها هم گویا هیچی نیستند! و "توده های قهرمان" یکدفعه از دیمه ۹۶ "خیزش انقلابی" را شروع کرده اند و از اینجا تاریخ مبارزه طبقاتی ما قابل تعریف و قابل رجوع شده است!

در این دیمه نیز واقعیت این بود و هست که هم جنبش ما علیه فقر و فساد فعال شد و هم همزمان جنبش ارتجاعی "رضا شاه روح شاد" و "الله و اکبر" و "جانم فدای ایران" و... در صحنه واقعی آن اعتراضات حضور داشتند و هنوز هم چنین است(همان تقدس گرائی مسموم "جنبش سرنگونی" به روایت چپ دنباله رو و شارژ شده در اعتراضات "همه با هم" بودنها، کل آن رودیدها را انقلابی و بعنوان جاده یکطرفه و محرک کننده و منشأ رسیدن نه فقط به سرنگونی کلیت رژیم که رسیدن به سوسیالیسم و انقلاب کارگری بخورد خودشان و حامیان کم تعمقشان داده و هنوز هم میدهند. امروز بخشی از همین دوستان گویا ادعای

ادامه ←

بلاخره نماینده راه کارگر و سخنگوشان در باب وجود سنتها و برنامه های متفاوت و حتی راهکار های متفاوت جریانات شرکت کننده در کنفرانس برای کنار زدن سرمایه داری، که گویا تازه قرار است این جمع با آلترناتیو سوسیالیستی مورد نظرشان سرنگونی سرمایه داری را متحقق کنند، مینویسند: "...همانطور که به درستی در پرسش طرح شده آمده است، این نیروها از سنت های متفاوتی می آیند و از این روی لزوما دارای یک نگاه، یک فرهنگ، یک سابقه و یک برنامه مشترک نیستند. به زبانی دیگر، راهکارشان برای عبور از سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم خصوصا در افق های بلند و استراتژیک در برخی موارد - بعضا کلیدی - عینا یکی نیست...". و...

بنابر این معلوم نیست یک کارگر سوسیالیست و کمونیست که دارای یک سنت، یک جنبش، یک طبقه اصلی و یک افق و استراتژی مشخص دارد برای سرنگونی کردند دولت و نظام سرمایه داری و غیره با کدامیک از سازهای "تئوریک" این نیروهای مدافع "آلترناتیو سوسیالیستی" برقصد؟ که هر کدام با انگیزه، سیاست و آینده متفاوت و مغشوشی در یک سالن جمع شده اند و حقیقت این تفاوتها را نیز بیان و اعلام نمی کنند که چیست تا مردم چیزی از آن بدانند. این دقیقا یعنی بازگشت و تجدید سازمان و سیاست به روایت همان جنبشهای چپ پوپولیستی و خلق گرایان "ضد شاهنشاهی" صرف دوره ۵۷ که همین چپ این نوع تعاریف و اهداف و سنتها و سیاستهای سردرگم را نمایندگی کردند و با شکست خودشان یک جنبش و یک آینده را نیز با ناکامی روبرو ساختند.

و اما فراتر از نکات فوق لازم است به اشتباه و تناقض محوری تر آن جریانات از جمله در باره پرنسپبهای سیاسی-علنی و جنبشی چگونگی شکل دادن به "آلترناتیو سوسیالیستی" تاکیدات روشن تری داشته باشم. از نظر من یک پایه بسیار مهم و سرنوشت ساز شکل دادن به آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی خود جنبش و فعالینی هستند که امروز در میدان نبرد علیه ارتجاع جمهوری اسلامی و سرمایه داری حضور دارند و عینی تر و زنده تر و مربوط تر از بیشتر جریانات به شرایط واقعی مبارزه و جنبش هستند. یعنی مبنای که این دوستان به آسانی آنرا دور زده اند و خود را بهترینها و "نماینده" آنها قلمداد میکنند. این عین کپی برداری از همان شکل آلترناتیو سازیهای سنتهای راست است. و همزمان تصورشان این است بقیه میروند به آنها ملحق میشوند، اما فکر نمیکنم هیچ جریان و فرد جدی و کمونیست آگاهی پاسخ مثبت به چنین فراخوانی بدهد. این تیر زدن به پای خود به مثابه یک کمونیست و یک طبقه برای رهائی واقعی سوسیالیستی از چنگ نظام جانی جمهوری اسلامی و سرمایه داری است. در هر صورت بدون دخالت و سروسامان گرفتن یک صف مستحکم انقلابی-سوسیالیستی، ضد ملی گرائی و شوینیستی و ناسیونالیستی، ضد مذهبی، ضد خلق گرائی و ضد سرمایه داری و متعهد و معتقد به آلترناتیو نظام سوسیالیستی، شکل گرفتن آلترناتیو واقعی و زمینی چنین اقدامی که شامل اتحاد روشن صف سوسیالیستها در یک نهاد مشترک، و تامین

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

"آلترناتیو سوسیالیستی" یا ...



در دنیای سیاه امروز به مراتب سخت تر از گذشته است، بسیار گسترده تر از سابق نیازمند نیروی انقلابی، جنبش مستقل و رادیکال سوسیالیستی، رهبری واقعا کمونیستی و مسئول نه خود شیفتگان رهبران مادامعمر، احزاب سیاسی انقلابی و آزادنش، نه فرقه ای و سکنهای مبتکر انشعابات و تخریب مخالفین، احزاب مربوط به جنبش کارگری و سوسیالیستی، نه جنبش ملی و خلفها، وجود شکل دادن به صف مستقل و متفاوت کارگری-سوسیالیستی خود آگاه، نه همه با هم بودن، و نیازمند تامین فوری ملزومات سیاسی، توده ای، کارگری، رهبری، سازمانی، و مسلحانه قدرتمند و غیره است، نه اینکه گویا "توده ها راه نشان میدهند، و "مردم" تکلیف همه چیز را روشن میکنند. هر کسی جز این فکر کند و تحلیل نماید، و مانند این همه سال هر روز با "سرنگونی" و "انقلاب" و "خیزش توده ها" و "جنبش سرنگونی طلبی مردم" (حال کدام سرنگونی؟ و کدام انقلاب؟ و خیزش؟ و... پیشکش) در پیچ بعدی است خود را سرگرم کند نه تنها سطحی است که خود فریبی میکند و به اسم کارگر و کمونیزم و انقلاب، بخواهند یا نخواهند، جنبش ما را عملا یکبار دیگر قربانی بخش دیگری از بورژوازی ایران میکنند! و دوباره جنبش برای آزادی و برابری و سوسیالیسم را به یک چاله دیگری هدایت خواهند کرد. این یک خطر بسیار جدی است که در مقابل هر کارگر و سوسیالیست و جریان واقعا مسئول و کمونیستی قرار دارد که بجای فرقه بازی، خود محور بینی، انتقام گیری سیاسی، و چسبیدن به پستهای حقیق سزاسازمانی و عرق عقب مانده سازمانی و صنفی گری و غیره به این واقعیتها و آینده سرنوشت سازتر برای طبقه کارگر و سوسیالیسم در ایران به اندیشد و از این منظر برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کل جنبش و تامین آلترناتیو سوسیالیستی آن نیز برخورد نماید. شخصا هر کسی که در این زمینه گام صادقانه و جدی بردارد دستش رانه تنها به گرمی میفشارم که آنرا نیز خواهیم بوسید!

آلترناتیو سوسیالیستی که بدور و بدون دخالت و حضور مستقیم فعالین جنبش طبقاتی ما، و در همراهی و شراکت فعالین و نیروی درگیر در جنبش کارگری-سوسیالیستی و در مبارزه جاری در داخل کشور به سر انجام نرسد، آلترناتیوی که شفاف و علنی نباشد، بخش عمده نیروها و فعالین جنبش کمونیستی و کارگری را نتواند در بر بگیرد، نمیتواند جای هیچ اتکا و امیدی برای ماها که برای پیروزی کارگر و کمونیزم بر ارتجاع اسلامی، ملی، دینی و سرمایه داری چهل سال است مبارزه میکنیم و قربانی می دهیم باشد. اصول کلی و میانی و مشترکات چنین تلاش و آلترناتیو سوسیالیستی چیست، و تدارک ملزومات سیاسی و عملی آن کدامند؟ و بررسی دیگر جوانب آن را به سهم خود مقداری کاملتر از اینجا در سمیناری بدون سر سوزنی در نظر گرفتن منفعت سازمانی و به عنوان یک کارگر کمونیست صادقانه و مسئولانه، در شبکه های اجتماعی بیان کرده ام. در هر صورت کاری که آن دوستان کرده اند ربطی به شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی ندارد، اسم واقعی آن "آلترناتیو تدارک اتحاد و همکاری سازمانی است"، یک نوع همکاری عملی و اطلاعیه مشترک دادن چند جریان با همدیگر است، همانگونه که قبل از آن کنفرانس بارها انجام داده اند،

ادامه



"آلترناتیو سوسیالیستی" دارند اما دیروز حتی یک کلمه هم علیه آن بخش مردم مرتجع و شعارهای ارتجاعی شان (بخش ارتجاعی "جنبش سرنگونی") که ضد سوسیالیست و کارگر و آزادیخواهی بوده و هستند، حرفی نزدند! و دل کسی را از خود نرنجانند! چون بلاخره هرچه هست "ضد رژیم" است و دوران، دوران "جنبشهای همگانی" و "جنبش سرنگونی"! دقیقا همین سیاست ضد سوسیالیستی، ضد حقیقت و ضد انقلاب کارگری را در سال ۵۷ تجربه کردیم و همین دوستان "رهبر" هم آن زمان، هم این زمان و هم این اواخر نیز در جریان اعتصاب عمومی در کردستان و در همراهی و سکوتشان با "مرکز همکاری" نیروهای مرتجع ناسیونالیسم کرد در پشت صف جنبش چپ ملی کورد به خط شدند و آن را تکرار کردند و به صف کارگر و سوسیالیسم آسیب رساندند.

در نتیجه اتکا به چنین سنتها و سیاستهای از جانب جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بنظر من استقبال دوباره از شکست در تحولات آتی ایران است، درست مانند سال ۵۷ بعد از این همه مبارزه و فداکاری و اعتصاب کارگری و قربانی دانهای ما "چپ" ها و طبقه کارگر و زحمتکش اتفاق افتاد. یک شرط مهم شکل دادن به یک آلترناتیو واقعا سوسیالیستی نقد جدی و عبور علنی و آشکار از این سنتهای سیاسی چپ سنتی و بورژوائی، خلقی، ملی و پوپولیستی در پوشش کمونیزم و کارگر ناظر به سیاستهای بخش زیادی از این سازمانها و رهبران آن سنت و این نوع سیاست کردنها است! نه پذیرش آن به عنوان "آلترناتیو سوسیالیستی"، و به عنوان یک اقدام راهگشاه، تامین کننده صف متحد جنبش و رهبری سیاسی سوسیالیستی، تامین کننده و تدارک ملزومات پیروزی صف جنبش طبقاتی و سوسیالیستی در نبرد بسیار سخت و نابرابر پیش رو در تحولات سیاسی ایران و منطقه علیه جمهوری اسلامی، علیه جنبش اسلام سیاسی، علیه جنبش بورژوا ناسیونالیستی کورد، ترک، بلوچ و عرب، علیه شونیسم ایرانی، علیه نیروهای اسلامی سنی و شیعه، علیه مخاطرات سناریو سیاه، و علیه کلیت نظام فاسد و ضد انسانی سرمایه داری حاکم در ایران و دولتها و نیروهای حامی بورژوائی آنها که مانند کرگه های وحشی علیه کوچکترین پیشروی و پیروزی جنبش سوسیالیستی ما به میدان خواهند آمد. این خط و سنت و نیروها از عهده چنین مبارزه ای بر نمی آیند!

ادعاهای بیشتر جریانات این دوستان حتی در باره سرنگونی رژیم و رسیدن به سوسیالیسم واقعا کودکانه، ساده لوحانه و بی ربط به واقعیت مبارزه و چگونگی آماده سازی و تدارک ملزومات جدی و مسئولانه و دور اندیش از جمله تحت عنوان "آلترناتیو سوسیالیستی" است. آنها فکر میکنند رژیم اسلامی هم مانند رژیم شاه با دو تازنده باد انقلاب و چهار تا تظاهرات خیابانی سرنگون میگردد، از اینرو اساس سیاستهایشان بر تبلیغ و تفصیل و ادعا و شعار و در سالن انتظار نشستنها و بعضا امیدواری به فشارهای که از جانب امریکا و دولتهای دیگر وارد میگردد متکی است. اما واقعیت این است که پیروزی کارگر و کمونیزم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

«آلترناتیو سوسیالیستی» یا...

میتوانند بعد از کنفرانس شان نیز آنرا ادامه دهند و ما مخالفت اصولی با چنین همکاریهای عملی بین اپوزسیون چپ نداشته ایم به شرط اینکه این به بهانه ای برای سازشهای غیر اصولی سیاسی - طبقاتی و پنهان کاری در بیان تفاوتها نشود و "آتش بس" سیاسی با هم نکنند، چرا که نیروی مدعی کمونیست بودن نباید عقاید و تفاوتها و نقدهایش را به خاطر منافع های دیگرش از جنبش و از جامعه پنهان کند و به مریضی "دیپلماسی" آلوده گردد. چنین روشهای با منفعت امروز و فردای کارگر و سوسیالیسم در تناقض و تضاد قرار دارد.

سوال: آیا این شش جریان از گرایش شما دعوت به پیوستن به این تجمع کرده اند؟ کلا شما مسئله ارتباط و همکاری با این جریانات را چگونه ارزیابی می کنید؟

سلام زیجی: نخیر آنها نه تنها با ما هیچ تماسی نگرفته بودند، بلکه اطلاع یافتیم حتی برخی از آنها به شرط حذف و عدم حضور ما و برخی جریانات کمونیست دیگر حاضر به همکاری با همدیگر شده بودند! حداقل دو تا از نیروها، به شرطی با بقیه کنار هم آمده اند که مثلا امثال حزب سوسیالیست انقلابی در جمع شان حضور نداشته باشد. و در سوال قبلی گفتیم اینها متعلق به چه سنت سیاسی و جنبشی هستند. این نوع دور هم جمع شدن آنها تصمیمات کاملا سیاسی- طبقاتی-جنبشی است. الزاما چنین مسیری را باید طی کند. همچنانکه قبلا نیز گفته ام، مورد این دوستان، بنظر حاصل نزدیکی دو جنبش چپ ملی و خلقی-پوپولیستی به همدیگر در این رویداد میباشد. بنظر من سنتهای سیاسی-جنبشی دنبال شده این جریانات و سنتهای ریشه دار ناظر بر رهبری آنها، مشخصا خط سیاسی حاکم بر "حزب کمونیست" (در واقع کومه کنونی) و رهبری کنونی حزب سابق ما، "حزب حکمتیست" (که بنظر من عمیقا از هر نظر دارای اشتراکات زیادی هستند) اگر جز این رفتار دیگری میکردند می بایست جای تعمق میبود. بدین ترتیب "آلترناتیو سوسیالیستی" که هنوز متولد نشده با حربه حذف و سانسور نیروهای انقلابی و سوسیالیست و مخالفین کمونیست خود به "دنیا بیاید" معلوم است که مرده متولد میشود، نمیتواند جایگاهی در جنبشی که برای آزادی و برابری، نقد و آزادی بیان و فعالیت بدون قید و شرط سیاسی، علیه سانسور و استبداد و علیه سیستم استبدادی، که یک پایه آن وجود "رهبران مادامعمر" است، تاریخش با خون سرخ هزارا و هزاران رفیق و فعال جنبش انقلابی ما نقش بسته است، داشته باشد، حتی اگر هر روز پرچم سرخ را نیز در دست داشته باشند و پشت عکس مارکس و لنین و حکمت با همدیگر عکس یادگاری بگیرند!

اما در باره جنبه دوم سؤالتان مبنی بر ارتباط و یا همکاری با همدیگر، ما سیاست روشن خود را از بدو تشکیل حزب در این باره بطور شفاف و علنی اعلام کرده ایم و در این رابطه هیچ شرط و شروط و سانسور و حذف کردنهای نیز در پرنسیب ما جایگاهی ندارد، گفته ایم: با کلیه نیروهای که برای پیروزی

سوسیالیسم، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برای استقرار یک نظام سوسیالیستی و کارگری، و برای آزادی های بدون قید و شرط سیاسی و تحزب و تشکل و... تلاش میکنند حاضر به هرشکلی از همراهی و همفکری و همکاری موردی هستیم. به سهم خودمان چندین بار هم در این زمینه تلاش کردیم اما احساس مسئولیتی در این رابطه شاهد نشدیم. نه تنها نیروهای چپ، ما به عنوان یک نیروی سوسیالیست و متعهد به سیاست و آرمانهای سوسیالیستی و آزادیخواه جنبشمان حاضر هستیم در راستایی منفعت طبقه مان با آن دسته از نیروهای سیاسی "مسئول پذیر" راست نیز که مثلا حاضرند بطور شفاف و علنی برای مقابله با خطر عراقیزه کردن جامعه ایران و دفاع از مدنیت و امنیت شهروندان همکاری کنند، یا برای سرنگونی رژیم با اتکا به خود جامعه نه به امریکا و دیگر کشورهای ارتجاعی در امر سرنگونی کلیت رژیم همراه شوند، و بر تامین یک جامعه آزاد بدور از ارتجاع شونیسم و ناسیونالیسم و مذهب و حربه های سرکوبگرانه "تمامیت ارضی کشور" و غیره همراهی کنند، و هر نیروی که به اصل آزادی و برابری، فعالیت بدون قید و شرط حق فعالیت سیاسی، برای پایان دادن به اعدام و وجود زندانی سیاسی، پایان دادن به نابرابری بین زن و مرد، انحلال کامل کلیه نیروهای مسلح و غیر مسلح سرکوبگر حرفه ای در کشور، و به دفاع از حق و حقوق و زندگی کاملا برابر کلیه شهروندان در همه امور سیاسی، اقتصادی، قضائی، اداری، فرهنگی، آموزشی و غیره متعهدباشند، میتوانیم همکاری های مشخصی در این زمینها داشته باشیم.

اما با نیروهای که پرچم سیاسی و استراتژی آنها در جهت تحمیل جنگ داخلی، سناریو سیاهی، در جهت طرحهای رژیم چنچی نوع دمکراسی امریکائی فعالیت نمایند، هر نیرویی که سیاستهای امریکا را تأیید کند و یا به دولت‌های مرتجع منطقه متکی باشد، هر نیروی که حامی مضحکه "تغییر و اصلاح" در نظام جمهوری اسلامی باشد، نیروهای که پرچم شونیستی، ناسیونالیستی، مذهبی، فدرالی و قومی را برای رسیدن به قدرت و ایجاد تفرقه در میان شهروندان را دنبال کنند، و نیروهای که به دنبال بازگشت نظام فاسد سرنگون شده پادشاهی یا شکل دیگری از حاکمیت اسلامی در پوشش دیگری هستند، نه تنها هیچ نوع همکاری نخواهیم کرد که تقابل و مبارزه و افشاگری علیه آنها را یک رکن مهم پیروزی کارگر و زن و جوان انقلابی و جنبش آزادیخواهی بر ارتجاع جمهوری اسلامی، و رسیدن به آزادی، برابری، امنیت و رفاه کارگران و زحمتکشانش و شهروندان در ایران بعد از جمهوری اسلامی میدانیم.

(۱) "خلا آلترناتیو انقلابی و میرمیت شکل دادن به آلتر ناتیو سوسیالیستی، ملزومات سیاسی و عملی آن کدامند؟"

<http://www.simroz.org/index/?p=6231>

(۲) "در باره اوضاع سیاسی ایران،...کنفرانس چند جریان چپ در استکهلم، و آلترناتیو سازی اپوزسیون بورژوازی"

<http://www.simroz.org/index/?p=6808>

۲۰۱۸-۱۱-۱۶

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

چند خبر و گزارش کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

عزیز آجیکند

تحصن سراسری معلمان

اخبار و گزارشات کارگری این هفته را با شروع تحصن سراسری معلمان ایران آغاز میکنیم.

شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان ایران طی فراخوانی از کلیه معلمان خواسته بود که در صورت عدم پاسخ به خواسته هایشان دست به اعتصاب دوباره خواهند زد. این شورا از کلیه معلمان ایران، در سطوح مختلف خواسته بود، روزهای سه شنبه و چهارشنبه از حضور در کلاسهای درس خود داری کنند. این فراخوان در فرصت کوتاهی از طرف معلمان جواب مثبت گرفت و بدین شیوه بسیاری از مدارس در سراسر کشور به صورت نیمه تعطیل در آمدند. در شهرهای اردبیل، ساوه، همدان، یزد، سقز، کرج، بانه، مریوان، سنندج، خمینی شهر، اصفهان، البرز، کرمانشاه، مازندران، شیراز، بوشهر و آذربایجان شرقی متحدانه در این اعتصاب شرکت کردند و از رفتن به کلاسهای درس خوداری کردند. معلمان معترض که اعتراض خود را به صورت خود داری از حضور در کلاسهای درس ابراز داشتند، خواهان آزادی معلمان زندانی، آموزش رایگان، افزایش حقوق مناسب با تورم، برخورداری از بیمه رتبه بندی و فراگیر، داشتن حقوق بالای خط فقر بودند و به کمبود وسایل آموزشی، و پلیسی شدن محیط های آموزشی معترض هستند. در این اعتصاب زنان معلم مشارکت چشمگیری داشتند و با در دست گرفتن نوشته هایی خواهان رفع تبعیض و اجرای طرح رتبه بندی، توقف طرح معلم تمام وقت که به تازگی به اجرا درآمده، آزادی معلمان زندانی و متوقف کردن پرونده سازی امنیتی و سرکوب معلمان بودند. حق آموزش رایگان و توقف روند پولی شدن آموزش و پرورش از دیگر خواست های معلمان در دومین دور تحصن معلمان از آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ است.

در دور تازه اعتصاب بسیاری از مدیران مدارس و معلمان در مناطق مختلف به دفاتر حراست آموزش و پرورش احضار و به اخراج و یا تبعید تهدید شده اند. با این حال حضور معلمان در تحصن گسترده و همه گزارشها و خیرها حاکی از موفقیت این حرکت از طرف معلمان در سراسر کشور بود.

به دنبال این اعتصاب محمدرضا رمضانزاده رئیس شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان بازداشت شد. عبدالرضا قنبری دیگر فعال صنفی معلمان نیز پس از این اقدام اعتراضی معلمان بازداشت شد. عباس واحدیان فعال صنفی معلمان در مشهد نیز یک روز پیش از اعتصاب معلمان دستگیری شد. این سه معلم از زمان دستگیری در زندان نگهداری می شوند. محمد صالح شکری از دیگر فعالان صنفی معلمان هم پیش از آغاز تحصن معلمان در سقز بازداشت بعد به صورت موقت آزاد شد.

معلمان ایران ۲۰ اردیبهشت امسال نیز مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. در این تجمع شماری از معلمان و دیگر شرکت کنندگان در تجمع بازداشت شدند. محمد حبیبی، از اعضای کانون صنفی معلمان تهران از آن زمان در زندان نگهداری می شود. دستگاه قضایی این معلم را به ۱۰ سال و نیم زندان، دو سال ممنوعیت از عضویت در احزاب سیاسی و گروه های اجتماعی و همچنین ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد. شش معلم و بازنشسته دیگر نیز به دلیل شرکت در این تجمع به ۹ ماه زندان و جریمه نقدی بدل از شلاق محکوم شدند. محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عیدی، روح الله مردانی، علی اکبر باغبانی، بختیار عارفی و محمد ثانی از دیگر فعالان صنفی معلمان نیز پیشتر به زندان یا تبعید محکوم شده اند.

گسترش اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد ملی خوزستان



کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در ششمین روز و کارگران

مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در یازدهمین روز اعتصابشان، به ترتیب به سمت ساختمان استانداری خوزستان و فرمانداری شوش راهپیمایی کردند و مقابل این نهادهای دولتی تجمع کردند. در تجمع هفت تپه کارگران زن و خانواده های کارگران هم حضور داشتند. روز ۲۳ آبان، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز در پنجمین روز از اعتراض های خود مجدد به سمت استانداری خوزستان رفتند و مقابل این ساختمان تجمع کردند. کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران که به اختصار به گروه ملی فولاد ایران، فولاد اهواز و فولاد خوزستان هم مشهور است مقابل استانداری خوزستان شعار دادند نه حاکم نه دولت، نیستند به فکر ملت؛ دزدها همه همدستن، راه قانون و بسن؛ این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی. شعار اتحاد کارگری، شعار مشترک این دو اعتراض در شوش و اهواز بود.

کارگران نیشکر هفت تپه هم روز ۲۳ آبان در دهمین روز اعتصابشان مقابل فرمانداری شوش جمع شدند.

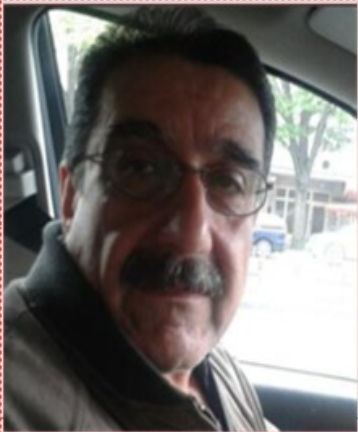
در تجمع هفت تپه زنان نقش فعال داشتند و یکی از زنان کارگر، مطالبات کارگران را به شکل سخنرانی اعتراضی مطرح کرد و از همه کارگران کشور خواست که به جنبش های اعتراضی کارگران بپیوندند. در تجمع مقابل استانداری خوزستان و فرمانداری شوش، هر دو گروه کارگران معترض هفت تپه و فولاد اهواز شعار اتحاد کارگری دادند. کارگران گروه ملی فولاد ایران شعار فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد دادند و در هفت تپه هم، زنی به نمایندگی کارگران در مقابل فرمانداری شهرستان شوش گفت: از تمامی اتحادیه کارگری کشور و همه کارگرانی که این روزها مثل ما سفره شان خالی از نان است و شرمند زنی و بچه شان هستند، می خواهم که به این اعتصاب بپیوندند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بیانیه ای منتشر کرده که در آن از اعتراضات گروه صنعتی فولاد اهواز حمایت متقابل کرده است. در این بیانیه آمده: در شرایطی که تعدیل نیروی کار، فقدان امنیت شغلی به واسطه رکود حاکم بر اقتصاد و نبود امنیت شغلی، سیاست های ویرانگر نئولیبرالی خصوصی سازی، ناکارایی مدیریتی، بی کفایتی و بی لیاقتی کارفرمایان، و دستمزدهای معوقه به عناصر مشترک اعتراضات مزدگیران بخش بزرگی از واحدهای نیمه جان تولیدی در سراسر کشور تبدیل شده و صدای اعتراضات محدود کارخانه های کارگران هم به جای نمی رسد، تقویت اراده جمعی کارگران، هم افزایی و رساتر کردن صدای مطالبه خواهی با اعتراضات فراکارخانه ای پیوند خورده است.

حضور فعال زنان در راهپیمایی و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه دهمین روز اعتصاب متوالی کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری شوش گذشت و در این تجمع زنان کارگر و خانواده های کارگران هم شرکت کردند. ادامه

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت جان باختن رفیق محمد یگانه



با تأسف فراوان دیروز دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۷ - ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸ رفیق محمد یگانه یکی دیگر از چهره های خوش نام جنبش کمونیستی و یکی از رفقای بسیار صمیمی و محبوب ما در سن ۶۷ سالگی بر اثر بیماری در شهر برلین آلمان چشم از جهان فرو بست.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران جان باختن این مبارز عدالتخواه و کمونیست را به همه فعالین جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی، به صف آزادیخواهان در سنج، به همسر و فرزندانش، و به برادرش رفیق سعید یگانه صمیمانه تسلیت میگوید. یاد رفیق محمد یگانه عزیز را با ادامه راهش گرامی و زنده نگاه خواهیم داشت.

دبیر خانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail

۲۲ آبان ۱۳۹۷

۱۳ نوامبر ۲۰۱۸

چند و خبر گزارش کارگری و....

معترضان خواستار انتقال نیشکر هفتتپه به بخش دولتی شدند. دور تازه اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفتتپه از ۱۴ آبان و پس از انتشار خبرهایی مبنی بر متواری یا دستگیر شدن کارفرمای بخش خصوصی نیشکر هفتتپه آغاز شد که گفته می‌شود از دریافتکنندگان ارز با نرخ مرجع است.

تجمع اعتراضی کارگران روغن نباتی

کارگران روغن نباتی جهان برای چندمین بار به دلیل عدم تحقق مطالباتشان در مقابل استانداری زنجان تجمع و خواستار رسیدگی مسؤلان به مسائل و مشکلات خود شدند. عدم دریافت حقوق پنج ماه از هفت ماه گذشته از سال جاری، عدم واریز ۲۸ ماه بیمه، حقوق معوقه از سالهای گذشته و در نهایت به تعطیلی کشیده شدن کارخانه از جمله مشکلات اعلامی توسط این کارگران است. حدود ۳۰۰ کارگر آریاناران مس سرچشمه به دلیل نداشتن امنیت شغلی خواستار تبدیل قرارداد خود از پیمانی به مستقیم هستند.

از میان خبرها

تجاوز یک مجرم سابقه‌دار به پسر بچه‌های ۱۳-۱۲ ساله در شوشتر

احمد تن‌تن مجرم سابقه‌دار شهر شوشتر است که بارها زندانی شده است. او با تهیه فیلم از قربانیان تجاوزش، آنها را با تهدید کردن مجبور به روابط با آنها کرده است.

او آخرین بار به واسطه یکی از بستگانش که از یک خانواده پر نفوذ در این شهر است آزاد شده است. احمد تن‌تن در دوران آزادی به همراه دو نفر از دوستانش به پسر بچه‌های نوجوان ۱۳-۱۲ ساله تجاوز کرده و از صحنه تجاوزها و قربانیانش فیلم گرفته با این فیلمها بچه‌ها را تهدید کرده بود که اگر به خانواده‌ها اطلاع بدهند فیلمها را منتشر می‌کند و آبروی آنها می‌رود. به گفته برخی از نزدیکان خانواده‌های این کودکان نه تنها از طرف متجاوز بلکه از طرف پلیس هم تهدید شده‌اند که به هیچ عنوان حق ندارند با رسانه‌ها درباره این فیلمها و تجاوزها حرف بزنند و در صورت رسانه ای شدن، با آنها برخورد قضایی خواهد شد. بسیاری از این خانواده‌ها از طبقه محروم و بی‌بضاعت هستند که کودکانشان به دلیل فقدان امکانات تفریحی در شهر شوشتر ظهرها در خیابانها بازی می‌کردند که همین باعث شده تا طعمه‌متجاوز شوند.

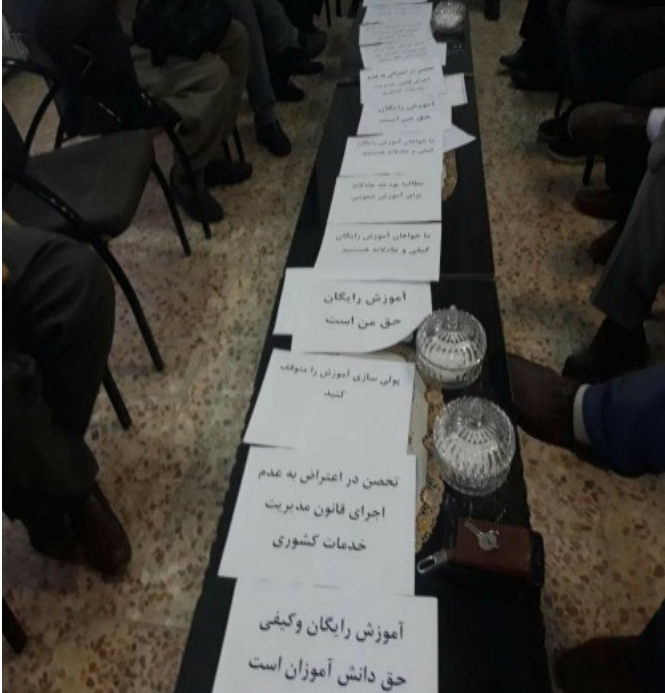
تحصن معلمان، اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه و فولاد اهوز به روایت تصویر



راهپیمایی کارگران فولاد اهواز، استنادار و فرماندار، بی عرضه و بیخیال



تحصن معلمان در دبیرستان مریم، کرج، استان البرز، ۲۲ آبان ۱۳۹۷



از بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

نهمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه ... چهارمین روز اعتراضات کارگران فولاد اهواز

کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در نهمین روز اعتصاب، دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری شوش زدند. کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در نهمین روز اعتصاب، تجمعات خود را به بیرون از شرکت کشاندند و صبح امروز در حالیکه کارمندان شرکت نیز آنان را همراهی میکردند دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری شهرستان شوش زدند.

بنا بر گزارشهای ارسالی کارگران نیشکر هفت تپه به اتحادیه آزاد کارگران ایران، در پی بلا تکلیفی حاکم بر شرکت و عدم پاسخگویی مسئولین آن برای پرداخت سه ماه دستمزد معوقه کارگران، آنان از روز 14 آبانماه جاری دست به اعتصاب زدند و طی 8 روز گذشته علیرغم تجمعات روزانه در مقابل مدیریت شرکت، هیچکس پاسخگویی خواستهای آنان نشد به همین دلیل کارگران با تصمیم جمعی قبلی، از ساعت 30/8 صبح امروز با خروج از شرکت، تجمع روزانه خود را به مقابل فرمانداری شوش کشاندند و تا پایان تجمع که حوالی ساعت 12 ظهر خاتمه یافت به طور مرتب اقدام به سر دادن شعارهایی از قبیل کارگر می میرد، لذت نمی پذیرد- کارگر هفت تپه گرسنه ایم گرسنه - فولاد، هفت تپه، کارگر متحد - جهانگیری حیا کن، خوزستان رها کن- نه رستمی نه بیگی شرکت بشه دولتی - مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر و... کردند. همچنین آنان در اقدامی نمادین در مقابل فرمانداری شوش با پهن کردن سفره ای خالی و نشستن دور آن شعارهای اعتراضی سر دادند.

دور جدید اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و تشدید اعتراض از سوی آنان در حالی صورت میگردد که بویژه از آذر ماه سال گذشته به این سو، مالکان و سهامداران خصوصی شرکت و همچنین مسئولان شهرستان شوش بارها متعهد به تحقق خواستهای کارگران شده اند اما نه تنها به هیچیک از تعهدات خود عمل نکرده اند بلکه علیرغم دریافت تسهیلات چندین صد میلیون دلاری برای سر سامان دادن به وضعیت شرکت، اقدام به تکه پاره کردن و واگذاری آن به اعوان و انصار خود کردند و از طرفی بدنبال اعتصاب کارگران در شهریور ماه سالجاری که علیه این واگذاریها صورت گرفت کار فرما طی اقدامات رندانه ای در نزدیک دو ماه گذشته با برگزاری جلسات متعدد با نمایندگان کارگران و گذراندن مصوبه هایی، با وقت کشی از اجرایی کردن این مصوبه ها سرباز زد.

بنا بر آخرین خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال تجمع امروز کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شهرستان شوش، هیچیک از مسئولین شرکت و فرمانداری پاسخگویی خواستهای کارگران نشدند به همین دلیل آنان اعلام کرده اند به تجمعات خود در مقابل فرمانداری شوش ادامه خواهند داد و چنانچه طی یکی دو روز آینده به تجمعات اعتراضی آنها و تحقق خواستهایشان توجهی نشود، تجمعات خود را به شهر اهواز و مقابل استانداری خوزستان خواهند کشاند و اعتراضات خود را بطور متحدانه ای با کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران به پیش خواهند برد.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه خواهان به روز کردن پرداخت دستمزدها و تسویه یکجای سه ماه حقوق معوقه، واریز مبلغ معوقه بیمه به صندوق سازمان تامین اجتماعی، تحقق فوری بی چون چرای یکپارچگی شرکت، خلع مالکیت از بخش خصوصی، انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران روزمزد و اقبالی و دیگر کارگران بر اساس قانون کار و بسیاری دیگر از مطالبات انباشته خود هستند که از سالها پیش معوق مانده است.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای چهارمین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری خوزستان زدند

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران صبح امروز برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به بی توجهی به خواستهایشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری خوزستان زدند.

بنا بر گزارشهای ارسالی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران به اتحادیه آزاد کارگران، آنان پس از ساعاتی تجمع در مقابل استانداری خوزستان که توأم با سر دادن بی وقفه شعارهای اعتراضی بود دقایقی در مقابل فرمانداری اهواز نیز تجمع کردند و سپس با راهپیمایی از مسیر فلکه ساعت، تجمع خود را به مقابل دادگستری استان خوزستان کشاندند و در ادامه با راهپیمایی به سوی ساختمان مرکزی بانک ملی (مالک کنونی شرکت) و تجمع در مقابل این بانک، حوالی ساعت 11/30 قبل از ظهر به اعتراض و تجمع خود پایان دادند.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در طول مسیرهای راهپیمایی و مکانهایی که امروز در آنها دست به تجمع زدند بطور یکپارچه و بی وقفه ای شعارهایی از قبیل: کارگر میمیرد لذت نمی پذیرد - اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی - حسین حسین شعارشون دزدیه افتخارشون - تورم گرانی پاسخ بده روحانی - دست های پشت پرده با کارخونه چه کرده - نه قاضی نه دولت نیستن به فکر ملت - نه تهدید نه زندان دیگه فایده نداره و ... سر میدادند.

بنا بر این گزارش، علیرغم چهار روز راهپیمایی و تجمع کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در مقابل استانداری خوزستان، تاکنون نه کارفرما و نه هیچیک از مسئولین استانی جوابگویی خواستهای کارگران نشده اند. این در حالیست که بیش از یکصد هزار تن محصول نهایی، حاصل تولید دوماه گذشته شرکت در انبارهای آن دپو شده است و معلوم نیست به چه دلیل مسئولین شرکت از فروش آن خودداری میکنند. در حال حاضر با توجه به پرداخت یکماه از حقوق معوقه کارگران زیر دیپلم گروه ملی صنعتی فولاد ایران (تعدادشان بسیار کم است) در روزهای گذشته، آنان سه ماه حقوق معوقه و اکثریت قریب به اتفاق کارگران که دارای مدرک تحصیلی بالای دیپلم هستند چهار ماه دستمزد معوقه دارند.

عدم توجه کارفرما و مسئولین استانی به خواست کارگران برای پرداخت حقوقهای معوقه در شرایطی است که بدلیل عدم واریز حق بیمه های کارگران به صندوق سازمان تامین اجتماعی، دفترچه های بیمه درمانی آنان نیز تمدید نمیشود و هزاران کارگران این مجتمع بزرگ تولیدی و صنعتی و خانواده هایشان در شرایط به غایت مشقت باری قرار دارند.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران اعلام کرده اند تا پرداخت حقوقهایشان همچنان به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد و در صورت بی توجهی کارفرما و مسئولین استانی به شرایط مشقت بارشان این اعتراضات را تشدید خواهند کرد.

The US government's terrorist act against PKK leaders is condemned

Recently, during a trip by a US State Department official named "Matthew Palmer" to Turkey, the US government announced the "award" for information that has led to the arrest of three of the leaders of the pockets. The dirty deal with the Islamic State and the fascist government of Turkey is worth \$ 12 million for information providers that identify the location or arrest of Murad Karayilan, Jamil Bayak, the Kalkan era, each of which is 5, 4, and 3 million respectively. The dollar is set to be announced.

The current practice of the American government, although in the special circumstances of the period of competition with Russia and giving more concessions to Turkey, is taking place in the context of new developments in the region, but in essence the continuation of the US base-line policy in the hypocritical confrontation and the two state-run games of the state with regard to the phenomenon "Terrorism" and the reactionary governments of Iran and Iraq, Turkey and Saudi Arabia, etc., continue the policy of Ojlan's kidnapping, and continue to use the "Kurds" as a tool and "warrior" and wherever they are in their favor, turning them into Part of your army in a war against rivals and in line with their reactionary policies. At the same time, the ruling body of the United States has always been the only "reactionary and bullying" "democratic-minded" government in opposition to resolving the Kurdish problem or defending the right to eliminate national oppression in the region, and has always come to the side of the repressive central government.

The event once again showed that the hope of hanging the bourgeois national movement and the Kurdish movement towards the United States was precisely the failure of the workers and women and the liberal citizens to speak the language and provide the poor benefits of the bourgeois nationalist Kurdish forces. Liberation policy to get rid of this turmoil, oppression and intimidation, the pursuit of politics and the united socialist struggle, the avoidance of the policies of traditional and nationalist parties either with the United States or other states of the region, the struggle with repressive governments, and the cutting of the hands of the hands. The poisoning of the US ruling coalition from the region and the fate of the Kurdish issue in the region is the only way to bring the humanitarian and libertarian future to the Kurdish issue.

All progressive forces and libertarian people, including the Kurdish citizens, are calling to fight all the power against the presence and destructive role of the US government alongside the united and liberal struggle of citizens against reactionary governments. It is essential that the forces that operate under the false "diplomatic relations" under the auspices of the US government or one of the suppressive governments of the region, as the actors of the failure and disappointment of the users of the issue of "national oppression" and "Kurdish issue" in favor of The capitalist class and their own bourgeois-nationalist movements in the Kurdish regions will be scandalized more and more.

We declare that: The profound political-intellectual flow of our socialist movement with the politics and performance of the pockets does not prevent our party's deep hatred from this multi-faceted and terrorist US action against the three members of the PKK leadership. The Revolutionary Socialist Party of Iran strongly condemns this act and considers it an organized act of state terrorism by the American government and should be scandalized. We also strongly advocate ending our presence in projects under the leadership and direct role of the United States in the Syrian Kurdistan.

Secretariat of the Revolutionary Socialist Party of Iran

Iransocialist2017@gmail.com

November 10, 2018

ص ۱۲

which assesses the poverty and destruction of another generation of workers and deprived citizens. The policy of boycotting and blocking the economy of any society and country as a deeply inhumane criminal act should be considered progressive. The policy of economic sanctions will damage the working-class struggle of the workers and the socio-economic and human life of the workers, the working people and the children before harming certain institutions and organs of the Islamic Republic. At the same time, the Islamic Republic is pushing for the repression and shame of aunt under the brunt of the struggle and the strike and the protest of a massive mass of workers and the working people of society, including the struggle against poverty and corruption and other current economic demands.

The revolutionary socialist revolutionary Party of Iran, the working class, women, youth and the queue of the Freedom and Equality Movement in Iran and the region, has taken on an independent and decisive stand against the inhumane policies of economic sanctions imposed by the American government and against the Islamic Republic, And all the reactionary forces that are on one of these reactionary fronts are calling. The party called for the Freedom and Equality Movement to unite and solidify around the policy and the socialist flag to overthrow the Islamic Republic.

Not economic sanctions !,

Not to the policies of the American governing body!

Death to the Islamic Republic!

Long live liberty, equality, prosperity, and socialism!

Revolutionary Socialist Party of Iran

Iransocialist2017@gmail.com

Nov. 18, 1397

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آء با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

**SWEDEN
SEB BANK
50550056411**

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



Revolutionary Socialist Party Condemns US Economic Sanctions!

The new round of economic sanctions against the Iranian government against the Iranian society began on November 5th, equaling November 15, 2018. These sanctions include the oil, energy, airline, banks and financial institutions, shipping companies, insurance, etc and in the Islamic Republic Independent of the false claims and propaganda of both the fascist states of the United States and the Islamic Republic, the most vulnerable to such an action by the workers and the working people. Even though at a certain level, it will face officials and Islamic sovereignty, but at the same time it will be another "angel of salvation" against the exploited citizens of the Islamic Republic. The use of "foreign enemies" has always been a leverage in helping survival, the continuation of crime, the avoidance of numerous economic and political demands in society, and the privilege to overcome the problems and cope with the fragile state of the system from the leaders of the Islamic Republic Is The Transitional Government of Trump has, with this action, the largest service to the survival of the Islamic Republic and the mobilization part of other countries in the "support" of the Islamic Republic of Iran. For over forty years, Iranian society has repeatedly experienced the devastating role of the United States in the political developments in Iran and how the Islamic Republic has exploited this type of interference. Positive to consider economic sanctions under the pretext of "fighting the Islamic Republic" only the most unpardonable and irrelevant elements and currents can be searched for the necessity of an independent and revolutionary struggle and the quest for the overthrow of the ruling bourgeois-Islamic system and the destructive political and social reality, Economic and suffering and deaths from the crime of economic sanctions against citizens are completely irrelevant.

First and foremost, the biggest victims of the economic sanctions are those who are themselves under the boot of oppression and the austerity policy of the corrupt and criminal Islamic government for forty years against the tyranny of politics, the lack of freedom and security, against hunger and unemployment and poverty, corruption and robbery And fought against the "organized economic sanctions" of the bourgeoisie in the form of "wages" and so on, and they have sacrificed hundred thousands of victims in this way. The American government's criminal act is not "to overthrow" it to "change its way", and precisely in contributing to such a policy and regime that condemns the majority of society to poverty line. Family lawsuits between these two mortal and assassinate governments are not related to the benefit of the human community. Both should not say and understand that the US government can not overthrow any other capitalist state, including the Islamic republic, with sanctions and hart and support. On the contrary, these policies have been fraught with a brake on the process of revolutionary overthrow And it's liberal!

The United States is the bourgeois-Shonist defeat, the survivors of the Imperialist reactionary, the "Democrats" in the "opposition", the nationalists, and the populist reactionary hiding behind the "rights of nations", mercenaries, rationing and journalists supporting the "democracy" of the bully government and The US scandal seeks to weaken the United States by relying on America's "angel of salvation" and relying on the pressures of economic sanctions and even the desire for military and military pressure, the scourge of Jasmine and counter-revolutionary masses and the lack of confidence in society. The will of the great majority of society in the process of reconciling the necessity of revolutionary, socialist, mass and libertarian Ali The Islamic Republic of Iran and the ruling capitalist setup. The fact is that the important part of the essential preparations for the real victory of the Islamic Republic, and the achievement of freedom, equality and prosperity, is through the serious confrontation with US policies, the scandal of its supporters, and the victory over the scenarios that are right-wing nationalist and On the one hand, and on the other hand, the currents that represent the poisonous policies of the 57th National Left and populism of "people" and "all together" in the unrelated worker's name and communism, and partly in the shadowy and half-clown defense of " American policies "are also taking place against the Islamic Republic.

Our party strongly condemns any form of economic sanctions against the society, and not to the failure and weakening of the Islamic Republic